

کارنامه یک ساله نشر مستضعفین - بخش اول

یکسال است که از انتشار نشر مستضعفین می گذرد و نوزاد تازه متولد شده ما که در 29 خرداد 1389 بدنیا آمد یکساله می شود لذا طبق یک سنت حسنه ائی که صورت عرف اجتماعی بخود گرفته است سالروز این نوزاد ما را وادار می کند که دمی تامل کنیم و به تفکرات یکسال گذشته این نوزاد ببیندشیم و به قول امام علی : **رحم الله المرء علم من این و فی این و الی این** - رحمت خدا بر آنانی که در این مرحله دریابند که از کجا شروع حرکت کرده اند. و اکنون به کجای حرکت رسیده اند و برای در آینده بسمت کدام مراحل حرکت پیش خواهند رفت - آنرا در بوته قرع و انبیق بازگوئی و بازاندیشی و بازخوانی و بازسازی قرار دهیم . زیرا در مدت یکسال گذشته جهت تجهیز سوپرکتیو و ابژکتیو نشر مستضعفین تمام نگاهمان به جلو بوده است و تلاش می کردیم که عقبه های مسیر پیش رو را ببینیم و هرگز به عقب خود نگاه نمی کردیم. البته چقدر خوب بود که شرایطی فراهم می شد تا در 29 خرداد هر سال مجمع عمومی یا کنگره حزب مستضعفین تشکیل می گردید تا در راس انجام وظایف سالانه حزبی خود، فعالیت یکساله نشر مستضعفین را به تیغ نقد بکشاند و بر پایه آن نقد بتواند برنامه عملی یکساله آینده نشر را تدوین نماید در آن صورت نشر مستضعفین می توانست هر سال دارای حیات بارورتری نسبت به سال گذشته خود داشته باشد. این چنین بازنگری و بازاندیشی و بازگوئی و بازخوانی و بازسازی است که می تواند به نشر مستضعفین حیات استراتژیک و حزبی ببخشد و آنرا از پراگماتیسم فکری و سیاسی که اپیدمی فراگیر تمامی جرائد حزبی و سیاسی جامعه ما می باشد نجات بخشد. البته نام اینچنین بازاندیشی و بازگوئی و بازخوانی و بازسازی سالانه تامل در گذشته حرکت هم می توانیم بگذاریم در برابر تفکر در حرکت. چراکه در طول یکسال تمام تلاش ما بر پایه اندیشه و تفکر در آینده حرکت نشر مستضعفین می باشد اما در این مرحله بجای تفکر در آینده حرکت نشر مستضعفین در گذشته های نشر مستضعفین تامل می کنیم که این تامل در گذشته ارزشی بمراتب بیشتر از تفکر در آینده دارد زیرا تامل در گذشته به معنای حلاجی آن مرحله اولی است که امام علی فوقاً مطرح کرد (که عبارت بود از علم من این) پس در مرحله تامل در حرکت نشر مستضعفین ما باید فرایندهای بازاندیشی و بازگوئی و بازخوانی و بازسازی به انجام رسانیم و دریابیم که نشر مستضعفین در مدت یکسال گذشته از چه نقطه ائی حرکت کرده است و با چه ایده و برنامه ائی شروع حرکت کرده و اکنون در مدت این یکسال به کجا رسیده آیا آن انتظارات و استراتژی مرحله ائی که برای این مدت یکسال در نظر گرفته بودیم توانسته است عینیت پیدا کند یا اینکه بالعکس در مسیر رفتن یکساله خود دچار سکتاریسم و پراگماتیسم و انحراف شده است. پس از اینکه در عرصه بازاندیشی و بازگوئی توانستیم به این سوالها پاسخ بدهیم آنوقت است که می توانیم وارد مرحله بازخوانی و بازسازی بشویم و برای سال آینده خود اگر انحرافی دیده ایم تصحیح کنیم و اگر انحرافی هم ندیده ایم بتوانیم توسط این بازاندیشی و بازگوئی با پتانسیل بیشتری پیش برویم در چنین حالتی است که شب قدر واقعی نشر مستضعفین فرا می رسد و آنچنانکه مولانا می گوید نفعتهای حق شروع به باریدن می کند:

**گفت پیغمبر که نفعتهای حق / اندرین ایام می آرد سبق
گوش هوش دارید این اوقات را / در ربانید اینچنین نفعات را
فعل باران بهاری با درخت / آید از انفاسشان در نیکبخت
گر درخت خشک باشد در مکان / عیب آن از باد جان افزا میدان
باد کار خویش کرد و بر وزید / آنک جانی داشت برجانش گزید
آنک بی جان بود خود واقف نشد / وای آن جانی که او واقف نشد**

نهج البلاغه خطبه 28 : **أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أُدْبِرَتْ وَ أَدْنَتْ بَوْدَاع** - آگاه باشید که زمان و دنیا در حال سپری شدن است و با رفتن خویش زمان با شما وداع می کند.
وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ أَسْرَفَتْ بِاطْلَاع - آگاه باشید که آینده و آخرت با رفتن حال و گذشته بسوی شما در حال روی آوردن است و با ورود خود پیوسته شما را هشیار می کند.
أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارُ - آگاه باشید که زمان حال که بین گذشته و آینده قرارداد دارد برای شما مرحله مضمار و آمادگی و باز شناسی و بازگوئی است.
وَ عَدَا السَّبَاقُ - آگاه باشید که آینده و فردای امروز باز برای شما مرحله آزمایش و پراتیک و مسابقه است.
وَ السَّبَقَةُ الْجَنَّةُ وَ الْعَايَةُ النَّارُ - آگاه باشید که مسابقه فردا مسابقه جنت و اتش است.
أَفَلَا تَأْتِبُّ مِنْ حَظِيَّتِهِ قَبْلَ مَنِيَّتِهِ - آیا می توانید قبل نابودی فردا با باز شناسی و باز اندیشی و بازگوئی و باز سازی امروز خودتان از خطاهای گذشته بازگردید.

أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ - آگاه باشید در امروز خود را باز یابید تا فردا ی حرکت به تنگدستی نیافتید.
 أَلَا وَ إِنكُمْ فِي أَيَّامٍ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ وَ مَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلُهُ وَ ضَرَّهُ - آگاه باشید شما در ایام امیدها و آرزوها قرار دارید که بر و رای آن مرگ فرار داد پس در این ایام عمل کنید تا وقتی که مرگ شما فرا رسد شما بر بیهودگی مرگتان حسرت نخورید پس واضح است که کسی که در ایام آرزو و خواستن ها و امیدها عمل کند فرارسیدن مرگ نمی تواند به او ضرری برساند ولی بالعکس اگر کسی در ایام امیدها و آرزوها عمل نکرد بیشک از مرگ ضرر خواهد کرد.
 أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّعْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَةِ - آگاه باشید در زمان فراغت آنچنان عمل کنید که در زمان اضطراری عمل می کنید.

ماحصل آنچه امام علی در خطبه 28 نهج البلاغه مطرح می کند اینکه گذشته و حال و آینده در یک پیوستگی مستمر در بستر زمان سرنوشت ما را رقم می زنند برای اینکه نلغزیم ما باید پیوسته از گذشته چراغ راهنما بسازیم تا در حال بر پایه آن چراغ راهنما عمل کنیم تا جاده ائی برای رفتن بهتر فردای خود بسازیم (**يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ - سوره انبیاء - آیه 40** - فردا روزی است که انسان هر آنچه که در امروز عمل کرده است می بیند) اگر امروز نسبت به عمل دیروز خود بی تفاوت بمانیم عمل امروزمان برای ما فرداسازی بهتر نخواهد بود لذا نه گذشت دیروز برای ما سودی خواهد داشت و نه فرا رسیدن فردا می تواند برای ما بی ضرر باشد نفع ما در این است که از رفتن دیروز برای خود غذای امروز بسازیم و از عمل امروز برای فردای خود غذای رفتن بهتر بسازیم این شیرازه خطبه 28 امام علی می باشد.
 بنابراین برای اینکه بتوانیم در عرصه پراتیک نظری کارنامه یکساله نشر مستضعفین از این کارنامه برداشت قدر ساز و ارزش آفرین بکنیم باید بتوانیم از این کارنامه برای حرکت فردای نشر مستضعفین ليله القدری بیافرینیم تا توشه بهتر رفتن فردای نشر مستضعفین بشود و این مهم امکان پذیر نیست مگر بر پایه بازگویی و بازاندیشی حرکت یکساله گذشته نشر مستضعفین، لذا باید ابتدا ببینیم در آغاز شروع کار نشر مستضعفین چه انتظاری از آن داشته ایم و در مدت یکسال گذشته تا چه اندازه نشر مستضعفین توانسته است به این انتظارات ما لباس عینیت بپوشاند.

انتظار ما در آغاز از نشر مستضعفین : انتظار ما در آغاز تولد نشر مستضعفین از نشر مستضعفین عبارت بود از:

1- پیوند با مردم: انتظار اول ما در آغاز این بود که از نشر مستضعفین یک پل ارتباطی بسازیم تا توسط آن بتوانیم بین خودمان و جنبش های طبقاتی و اجتماعی و سیاسی و تاریخی پیوند حاصل کنیم تا توسط این سر پل تماس بتوانیم خود را از ورطه سکتاریسم نجات دهیم. از آنچنانکه فوقاً مطرح شد شروع حرکت برونی نشر مستضعفین که اولین شماره الکترونیکی آن در تاریخ 29 خرداد 88 صورت گرفت (همانطوری که همگان مستحضر هستند این زمان از تاریخ ما مصادف شد با پیدایش و تکوین و اعتلای فربه ترین بخش جنبش تاریخی جامعه ما یعنی جنبش اجتماعی 22 خرداد که بشدت مسئولیت نشر مستضعفین را برای انجام آن پیوند سنگین تر ساخت) چراکه باز همگان استحضار تاریخی دارند که جنبش اجتماعی ایران در فرآیند مدرن و کلاسیک آن از تاریخ جنبش تنباکو توسط سیدجمال الدین اسدآبادی آغاز گردید که این جنبش از بدو پیدایش خود تا کنون پیوسته صحنه گردان تحولات اجتماعی و سیاسی تاریخ گذشته ما بوده است. البته این پروسه در اروپا صورتی عکس پروسه ایران داشته است چراکه در اروپا آنچه صحنه گردان تحولات تاریخ آنها از بعد از انقلاب کبیر فرانسه و حتی خود انقلاب کبیر فرانسه بوده است جنبش طبقاتی آنها چه در شکل جنبش طبقاتی بورژوازی و چه در صورت جنبش طبقاتی پرولتاریا می باشد بطوریکه اگر سرآغاز جنبش کلاسیک اروپا را انقلاب کبیر فرانسه یا جنبش پروتستانتیسم برهبری کالون و لوتر و ... بدانیم تا این زمان تمامی جنبشهایی که در اروپا شکل گرفته است حتی جنبش های ضد فاشیسم همه رنگ و روی طبقاتی داشته است البته حتماً دلیل تاریخی آن این می باشد که بر خلاف ساختار اقتصادی و طبقاتی ما که صورتی غیر ساختی و غیر تاریخی و وابسته دارد در اروپا بعلت اینکه خود از پایه گذاران دوران اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیسم بوده اند لذا جنبش طبقاتی در تاریخ دوران کلاسیک جنبش های مردمی سرنوشت ساز و تعیین کننده بوده است که بر عکس آنچه در تاریخ جنبش های مردمی و توده ائی کلاسیک جامعه ما اتفاق افتاده است می باشد چراکه آنچنانکه فوقاً به اشاره رفت با شروع حرکت سیدجمال در شرق این جنبش های کلاسیک در نیمه دوم قرن نوزدهم از شمال آفریقا تا جنوب آسیای شرقی ادامه رشد کرد و عامل اصلی تمامی آنها هم حرکت خود سیدجمال الدین اسدآبادی بود از آنجائیکه مناسبات اقتصادی و طبقاتی جوامع شرقی در دوران سرمایه داری که از غرب آغازین گرفته بود در این کشورها صورت ساختی و تاریخی و بومی نداشت و بیشتر تحت تاثیر پیوند تاریخی استعماری با غرب بوده است این پیدمی باعث گردید تا در تمامی کشورهای مشرق زمین از جمله کشور ما در دوران سرمایه داری و سوسیالیسم جنبش

طبقاتی نتواند نقش هژمونی در جنبش های مردمی داشته باشد و همیشه جنبش طبقاتی تابع جنبش اجتماعی باشد لذا همین عامل بود که باعث گردید تا در تاریخ ما از جنبش تنباکو تا جنبش 22 خرداد این جنبش های اجتماعی باشند که بتوانند سرنوشت سیاسی و تاریخی ما را تعیین کنند هم در مشروطیت و هم در جنبش ملی شدن صنعت نفت و هم در مرحله مطلقه فقهاتی 22 بهمن سال 57 و بالاخره تاکنون در تمامی این حوادث سرنوشت ساز تاریخی این جنبش اجتماعی بوده که سکاندار مبارزه تاریخ ما بوده است و جنبش های دیگر تاریخی ما از جنبش کارگری گرفته تا جنبش سیاسی و جنبش دانشجویی و جنبش زنان و کارمندان و معلمان و دانش آموزان و ... همه تابع این جنبش اجتماعی بوده اند و از آنجائیکه جنبش اجتماعی ایران بعلت بافت طبقاتی که از نظر ساختاری طبقاتی دارند ... آسیب پذیرتر از جنبش های طبقاتی می باشند لذا بعلت همین موقعیت هژمونیک جنبش اجتماعی باعث شده تا جنبش اجتماعی در مقاطع مختلف تاریخ ما هر زمانیکه بعلت این آسیبهای یا سرکوب شده و یا به رکود کشیده شده و یا دچار آسیبهای دیگر گردیده تمامی جنبش های دیگر طبقاتی و دمکراتیک و ... را تحت تاثیر افت و خیز و آسیبهای خود قرار دهد و باعث شده تا آنها را به انحراف و رکود و خمود بکشاند البته نباید این حقیقت را هم از نظر دور بداریم که بعلت استبداد های ستبر و سهمگینی که تاریخ شرق و بخصوص کشور ما از آغاز تکوین تاریخش تاکنون بعلت شرایط ساختاری و موقعیت جغرافیائی با آن دست به گریبان بوده است بجز جنبش اجتماعی که ماهیتی فراگیر در سطح جامعه داشته است هیچ کدام از بخشهای دیگر جنبش های طبقاتی و دمکراتیک توان ایجاد رخنه در نظامهای اتوکراتیک و دسپاتیزم و مطلقه حاکم بر تاریخ ایران نداشته اند که این موضوع از آغاز شکل گیری حکومت های تاریخی در ایران که با هخامنشیان شروع شد تا امروز که رژیم مطلقه فقهاتی حاکم می باشد ادامه دارد.

بهر حال شروع کار نشر مستضعفین مصادف شده بود با اعتلای جنبش اجتماعی 22 خرداد که مدت 30 سال بود (از بهمن 57 تا خرداد 88) که طولانی ترین دوران تاریخی رکود خود را سپری می کرد این تصادف میمون و مبارک مسئولیت نشر مستضعفین را سنگین تر ساخت چراکه نشر مستضعفین برای نیل به انتظار اولش که پیوند با مردم بود می بایست با حضور در جنبش اجتماعی 22 خرداد این مهم را به انجام برساند و بدون حضور سیاسی در این جنبش عظیم امکان پیوند با هیچ کدام از بخشهای دیگر جنبش برایش باقی نمی ماند بعلت اینکه تمام راهها به رم ختم می شد هم جنبش کارگری و هم جنبش زنان و هم جنبش دانشجویی و هم جنبش دانش آموزی و هم جنبشهای قومی و منطقه ای و هم جنبشهای مذهبی و کارمندی و معلمان و ... همه و همه هویت و موجودیت خود را در عرصه جنبش اجتماعی 22 خرداد به نمایش گذاشته بودند لذا در این راستا بود که نشر مستضعفین از اولین شماره خود تمامی سعی خود را متمرکز این حقیقت ساخت تا بتواند با ارائه تحلیل های مشخص از وضعیت های مرحله ای مشخص جنبش اجتماعی 22 خرداد در این جنبش حضور تئوریک و سیاسی مستمر داشته باشد و از آنجائیکه از آغاز شروع حرکت برونی خود بزرگترین زمینه آسیب پذیری جنبش اجتماعی 22 خرداد را بحران تئوریک و بحران هژمونی ارزیابی کرده بود (البته این دو بحران در تمامی مقاطع جنبش اجتماعی تاریخ ما وجود داشته است و عامل انحراف تمامی فرآیندهای جنبش اجتماعی ما از جنبش تنباکو تا جنبش مشروطیت اول و دوم و جنبش مقاومت ملی و جنبش 15 خرداد 42 و جنبش 22 بهمن 57 همین دو بحران استراتژیک تئوریک و هژمونیک بوده است) که اگر بخواهیم بین این دو بحران اولویت بندی تکوینی و ساختاری بکنیم باید حتی عامل شکل گیری بحران هژمونیک هم در تاریخ جنبش اجتماعی ما منتسب به بحران تئوریک بدانیم و علت اصلی آسیب پذیری تمامی فرآیندهای جنبش اجتماعی ما در مرحله اول بحران تئوریک بوده است که منظور ما از بحران تئوریک بی برنامه و بی آلترناتیو بودن خواسته های مقطعی جنبش اجتماعی است که این موضوع باعث گردیده تا جنبش های اجتماعی ما فقط جنبه نفی ای داشته باشند و هیچگونه جنبه جایگزینی اثباتی نداشته باشند و در رابطه با این خصیصه منفی گرائی جنبش های اجتماعی ما بوده است که هر جریانی که توان تشکیلاتی برای طرح این شعار های منفی داشته اند سکاندار هژمونی جنبش اجتماعی را پیدا می کرده است بدون اینکه این هژمونی اصلا برنامه ای داشته باشد و یا اصلا صلاحیت رهبری را داشته باشد مثلا در جنبش اجتماعی 15 خرداد و جنبش 22 بهمن تنها عاملی که باعث گردید تا روحانیت فقهاتی رهبری این دو جنبش را بدست بگیرد نه صلاحیت تاریخی آنها بوده است بلکه بالعکس فقط بدلیل شعار نفی ای ضد استبدادی بود که توانستند خود را توسط آن بر رهبری غاصبانه جنبش اجتماعی برسانند. در صورتیکه اگر بخواهیم از نظر تئوریک صلاحیت تئوریک روحانیت فقهاتی به رهبری رسیده جنبش اجتماعی 22 بهمن 57 تشریح و آناتومی کنیم روحانیت فقهاتی حاکم حرکت تاریخی سیاسی خود را با مبارزه ضد زن و ضد دمکراتیک آغاز کرد ولی بعلت اینکه مشام فرصت طلبانه آنها فوراً دریافت که با این حرکت ضد دمکراتیک و ضد انسانی و ... نمی توانند از نمد افتاده جنبش اجتماعی برای خود کلاه می بدوزند لذا سمت گیری حرکت خود را از ضد زن و ضد مصدقی بسمت مبارزه با امریکا و شاه البته بصورت قالبی تغییر دادند و همین تغییر قالبی و بدون تئوری و بدون محتوا بود که زمینه فرصت طلبانه رهبری آنها را بر جنبش اجتماعی ما در دو مقطع 15 خرداد 42 و 22 بهمن 57 فراهم ساخت و بخاطر این رهبری غاصبانه بود که جنبش اجتماعی ما که در

22 بهمن 57 تور انداخته بود تا از دریای مبارزه با استبداد پهلوی ماهی دمکراسی و آزادی بگیرد پس از 22 بهمن زمانیکه تور خود را از آب بیرون کشید یک مرتبه مشاهده کرد که در تور خود بجای ماهی یک وال نسل کشی درآمده که روی تمامی رژیم های مطلقه گذشته تاریخی ما و جهان را بنام فقاقت سفید کرد، اینجا بود که جنبش اجتماعی ما از وحشت رویت این نهنگ نسل کش که خود به تاریخ ایران عرضه کرده بود برای سی سال به محاق رکود و خمود رفت تا اینکه در 22 خرداد 88 دوباره احساس کرد که شرایط برای اعتلایش فراهم شده است و اکنون می تواند گوساله ائی را که خودش بر دوش کشیده و تا کره ماه او را برده بود (به کوری چشم شاه عکس امام تو ماهه) با پنجه های خویش به زیر آورد چرا که از نظر جنبش اجتماعی 22 خرداد توبه گرگ تنها مرگ است و هرگز امکان آن وجود ندارد که بتوانیم گرگ گوسفند خواری را با اصلاحات و آموزش همراه با گوسفندان اهلی کنیم:

شنیدستم که گوسندی بزرگی / رهانید از دهان و چنگ گرگی
شبانگاه کارد بر حلقش بمالید / روان گوسفند از وی بنالید
که از چنگال گرگم در ربودی / چه دیدم عاقبت گرگم تو بودی

بدین علت بود که بحران تئوریک جنبش اجتماعی ما پیوسته سر از بحران هژمونیک در می آورد و این بحران هژمونیک مانند گراز وحشی تمامی کشتزار های جنبش اجتماعی را ویران می کرد و پس از به قدرت رسیدنش اول به جان مادر خود یعنی جنبش اجتماعی می افتاد و برای تثبیت حاکمیت غاصبانه خودش جهت به رکود کشانیدن جنبش اجتماعی دست به نسل کشی می زند آنچنانکه در 30 سال گذشته به وضوح شاهد آن بوده و هستیم و دیدیم که رژیم مطلقه فقاقتی حاکم زمانیکه موجودیت حاکمیت خود را در خطر می بیند چگونه با ساطور دین و فقاقت و فتوا به جان جنبش اجتماعی می افتد و با برپائی کهریزک ها تمامی جنایتها را جهت سرکوبی جنبش اجتماعی برای خود مباح می داند.

ادامه دارد